

ایران و اسلام

در نشریه آلمانی زبان اشپیگل

اشپیگل سال ۱۹۵۱ میلادی = سال ۱۳۳۰ خورشیدی، شماره ۳۱، صفحه ۱۲

«ایرانی بینی خود را می برد!...»^۱

مجلس نمایندگان ایران می تواند نفت خود را ملی کند، اما قادر نیست یکصد و سی فروند نفتکش متعلق به شرکت نفت انگلیس - ایران را به تصرف خود درآورد. روزنامه رسمی انگلستان «دیلی هرالد» با شعف زایدالوصفی به شرح این مطلب پرداخته و می نویسد: «اگر شرکت نفت انگلیس - ایران در برابر ملی شدن نفت، کشتیهای نفتکش خود را در اختیار ایرانیها قرار ندهد... ایرانیان مجبورند که روی ۳۰ میلیون تن نفت خام سالانه خویش بنشینند و منبهد با این مقدار نفت خواهند توانست بیماری خارش پوست تمام شترهای خود را مداوا کنند (این نفت، يك داروی شناخته شده و کاملاً مؤثر برای درمان این بیماری است).

نفتکشهای انگلیسی، برگ برنده انگلستان در این بازی است. به جز این، ایرانیها خود آمادگی اداره صنعت نفت را ندارند. «تخت طاووس» با دریافت سودی که از سهام شرکت می برد، می ایستد، یا می افتد. حال اگر از این شرکت خلع ید شود، تهران دچار يك ورشکستگی جاودانه خواهد شد.

چرا. انگلستان و غرب هر دو نیز چیزی را از دست می دهند. «بریتانی هاوس» (BritanniHouse)، محل شرکت در لندن که به سان يك کاخ با شکوه است) در سال جاری، مبلغ ۱۷/۳ میلیون پوند به عنوان مالیات به «گاتیزکل» (Gaitskell) خزانه دار

دولت انگلستان می‌پردازد، که برابر بیش از دوست میلیون مارك آلمان غربی است. بدون وجود نفت ایران، اقتصاد و تسلیحات اروپا به گونه‌ای سخت زیان خواهد دید. به جز این، خلع ید از شرکت نفت انگلیس - ایران، سایر کشورهای نفت خیز خاورمیانه را نیز بر آن داشته است که قراردادهای استخراج نفت خود را باطل کنند. - ملی‌گرایان عراقی می‌خواهند قرارداد استخراج نفت خود را که تا سال ۲۰۰۰ میلادی اعتبار دارد، نادیده بگیرند.

- مصرها نیز به تقلید از ایران، در نظر ندارند که تا سال ۱۹۶۹ برای واگذاری کانال سوئز به خود در انتظار بمانند.

- ملی‌گرایان افراطی، ادعای «حاکمیت بر بحرین»^۲ را دارند و اظهار می‌دارند نفت آنجا نیز باید ملی شود.

تنها عربستان سعودی - در حال حاضر بیش از تولید مجموع تمام کشورهای دیگر خاورمیانه نفت تولید می‌کند - در این میان ساکت نشسته و از خود بازتابی نشان نمی‌دهد، زیرا شاهزاده فیصل، وزیر امور خارجه این کشور، از قراردادی که با امریکا بسته است، احساس خوشبختی می‌کند. سود حاصله بین امریکا و عربستان سعودی، به نسبت پنجاه پنجاه تقسیم می‌شود. او می‌گوید: «به ما ربطی ندارد که ایران چه می‌کند.»

نحوست و لعنتهای مشرق زمینی:

دکتر مصدق هفتاد و سه ساله، وابسته به «جبهه ملی ایران» و یکی از اعضای فراکسیون هشت نفره مجلس، نگران است مبدا به پیروزی کامل نرسد. او [دکتر مصدق] به عنوان بلندگوی فدائیان - فرقه‌ای از پیروان حضرت محمد (ص) که بسیار افراطی هستند - به سرپرستی کاشانی، از پارلمان ایران تقاضای ملی شدن نفت را کرده است، اما امروز از اینکه می‌بیند وابستگان حزب توده که با مسکو رابطه دارند نیز، از تصمیم مجلس خوشحال هستند، چندان راضی نیست.

مجلس، تحت فشار وحشت، تصمیم به ملی کردن نفت گرفت. يك هفته پیش، رزم‌آرا نخست وزیر وقت که مخالف ملی شدن نفت بود، با گلوله یکی از فدائیان کشته شد (اشپیگل شماره ۱۱/۱۵). اندکی پیش از رأی‌گیری، نمایندگان مخالف این طرح، از طریق تلفن تهدید شدند که اگر جرئت کنند و در روز موعود از خانه بیرون نیایند، يك گلوله به میان دنده‌هاشان خواهد نشست.

تمام یکصد و شش نفر نماینده مجلس به این ترتیب رأی به ملی شدن نفت دادند. در مجلس سنا فقط ۲۷ نفر از ۶۰ نفر نماینده، رای مثبت دادند. ۳۳ نفر نماینده دیگر

جرئت نکردند «نه» بگویند و در خانه ماندند و پرده اتاق را کشیدند.

وحشت از فدائیان، خیلی سریعتر ملی شد، تا نفت... فدائیان بر خیابانها حاکم شدند، در اعلامیه‌هاشان که مخفیانه پخش می‌شد به حکومت وقت «لعنت مشرق زمینی» فرستاده و مبادرت به قتل را عملی مشروع و موجه دانسته بودند.

نخست وزیر جدید «حسین علاء» به سبب وجود وحشت زیاد در بین نمایندگان پارلمان، قادر نبود کابینه خود را تشکیل دهد و اعضای مناسب و دلخواهی برای آن پیدا کند. «ژنرال محمد دفتری» رئیس شهربانی کل کشور استعفا داد. (به طوری که خود اظهار داشته، از ضعف و ناتوانی حکومت استعفا داده است.) این اقدام دفتری سبب شد که شاه، اگرچه از اول مخالف تصمیم مجلس و رفتار فدائیان بود، برای بهبود اوضاع دست به اقداماتی جدی بزند. به مدت دو ماه در تهران ممنوعیت عبور و مرور در ساعات معینی را اعلام و آشوبگران را به اعدام تهدید کرد، اجتماعات و حمل مخفیانه سلاح ممنوع شد، نشریات مخالف که در آن لحظات بحرانی حاضر نبودند ساکت شوند توقیف شده و ناشران آنها به زندان افتادند.

با دست یازیدن به این اقدامات، شاه شاهان، ژنرال حجازی یکی از محارم و نزدیکان خود را به فرمانداری نظامی تهران منصوب کرد. موضع گیری شاه در برابر تصمیم مجلس، تشریفاتی و دارای تأثیری صوری بود، زیرا او فقط می‌تواند مصوبات مجلس را تأیید کند و قدرتی برای نفی آنها ندارد.

به دلایل دیگر - به جز حس دوری از بیگانه که منشاء الهی دارد، در نهاد ایرانیها دلایل دیگری نیز مبنی بر نفرت از شرکت نفت انگلیس - ایران دیده می‌شود: - این که کشورشان از نظر مالی به نحوی مؤثر و چشم گیر وابسته به یک شرکت خارجی است، احساس شدید مالکیت، نهفته در وجود ایرانیان را جریحه دار و سبب نفرتشان از «شرکت نفت انگلیس - ایران» شده است.

- شرکت نفت مزبور برای هر بشکه نفت صادراتی، بیش از سایر کشورهایی که شرکت‌های نفت بیگانه در آنجا فعالیت دارند و با خستی که از خود نشان می‌دهند دست به خودکشی می‌زنند، پول می‌پردازد، اما ایرانیها مبلغی که برای هر بشکه نفت صادراتی دریافت می‌دارند، بسیار کمتر از مثلاً کشورهای نفت خیز امریکای لاتین است. ونزوئلا از امریکایها، برابر هر بشکه نفت ۸۶ سنت امریکایی می‌گیرد، در حالی که ایران، برابر پیشنهاد جدید - پنجاه پنجاه برابر نمونه عربستان سعودی و امریکا - حدود ۳۶ سنت دریافت می‌دارد. - از آنجا که شرکت نفت انگلیس - ایران حقوق بیشتری به کارگران خود می‌پردازد، از این رو کارگران ماهر و لایق سایر کارخانجات را به سوی خود جذب می‌کند.

غیر از اینها، وجود شرکت مزبور می‌تواند همیشه سبب «دخالته مستقیم

خارجیان» در ایران باشد. زمانی که شوروی در سال ۱۹۴۶ موجب بروز وقایعی در آذربایجان شد، از اقدامات دیگرش نیز ایجاد اعتصاب در میان کارگران مناطق نفت خیز، که به دست انگلیسیها اداره می‌شد؛ بود. انگلستان نیز فوراً قوای نظامی، به استعداد یک تیپ و یک فروند ناوشکن به بصره در عراق که نزدیک مرز ایران قرار دارد اعزام و رسماً اعلام کرد، این اقدام فقط در جهت حفظ منافع انگلستان در جنوب ایران انجام شده است، به عبارت دیگر عنداللزوم وارد ایران می‌شدند. انگلستان، امروز هم این حق را دارد که قوای نظامی به بصره بفرستد، اما آیا دست به کار خواهد زد یا نه؟ انگلیسیها خود نیز نمی‌دانند چه کار بایستی کرد، زیرا زمانه عوض شده است.

ارثیهٔ چرچیل:

در واقع، موضوع نفت ایران، مربوط به ما ترك چرچیل می‌شود. زمانی که او وزیر درباری انگلستان بود و نیز به عنوان ناخدا به هدایت کشتی اشتغال داشت، نیروی دریایی انگلستان، پیش از جنگ جهانی اول به کشفی بزرگ رسیده بود، که اگر کشتیهای انگلیس موتورشان تبدیل به موتورهایی شود که با نفت می‌سوزد به سرعتشان افزوده خواهد شد و قادر خواهند بود خود را سریعتر به کشتیهای آلمانی برسانند. به پیشنهاد چرچیل، دولت انگلستان در سال ۱۹۱۴ سهمی نسبتاً عمده از شرکت نفت انگلیس - ایران را خرید و در طول مدت سه سال بعد نیز سهام دیگری که با اولی جمعاً پنج میلیون پوند می‌شد، به خود اختصاص داد. به این ترتیب دولت انگلستان از همان دوران «لابور» (Labour) اکثریت سهام و نیروی اعمال نفوذ در درون شرکت مزبور را داشت، شرکتی که امروز سرمایهٔ آن به دویست و هشت میلیون پوند تخمین زده می‌شود. افزون بر این سرمایه، پالایشگاه نفت آبادان، با ظرفیت بیست و پنج میلیون تن، که بزرگترین پالایشگاه دنیاست، و نیز نفتکشهایی با مجموع ظرفیت ناخالص ۱/۶ میلیون تن، سهمیم بودن در مخازن نفتی کشور عراق و کویت، لوله‌های نفت رسانی به طول سه هزار کیلومتر و شعبات و تشکیلاتی در سراسر دنیا را باید در نظر داشت. حق استخراج و اکتشاف نفت در منطقهٔ جنوبی ایران به مساحت دویست و بیست و پنج هزار کیلومتر مربع، بر اساس قراردادی جدید که در سال ۱۹۳۳ بسته شده است، تا سال ۱۹۹۳ میلادی اعتبار دارد. امروز تمام معادن شناخته شدهٔ نفت ایران، وسیلهٔ شرکت نفت انگلیسی ایران استخراج می‌شود.

حالت ساختگی:

انگلستان از بیرون قضیه، گونه‌ای بی‌اعتنایی، توأم با تهدید در برابر تصمیم ایران از خود بروز می‌دهد و در مقابل اذهان عمومی، عکس‌العمل خود را فقط به تهدید ایران محدود ساخته است و در واقع به دولت ایران یادآور شده است که هوشیار باشد، چون قضیه آن طوری هم که ایران تصور می‌کند، نیست.

مطبوعات لندن کوشش می‌کنند خود را تا اندازه‌ای از ماجرا کنار نگه دارند. نشریه «تایمز» با حالتی ساختگی اظهار داشت: «خلع‌ید از شرکت نفت انگلیس - ایران، به نظر نمی‌رسد که کاری عملی باشد». انگلستان موضوع را چنین ارزیابی می‌کند. ایرانیان دقیقاً می‌دانند که اگر نفت خود را صد در صد ملی کنند، دست به نابودی خویش زده‌اند. آنها یا سعی می‌کنند صنعت نفت را خود اداره کنند، که در این صورت دچار کمبود سرمایه و نیروی انسانی متخصص و فنی می‌شوند و یا اینکه از روسها یاری می‌طلبند، که آن وقت بنابر مفهوم يك ضرب‌المثل ایرانی «از تاوه به آتش می‌افتند!...» [تاوه = تابه]

مجلس شورای ملی تا چهاردهم آوریل، به سبب تعطیلات عید نوروز، تشکیل جلسه نخواهد داد و این فرصتی برای نمایندگان مجلس است که خود را برای ارائه این شوخی و طنز آماده سازند، سپس کمیسیونی مأمور می‌شود که ظرف مدت دو ماه، پیشنهادهای عملی و منطقی خود را برای واگذاری شرکت به دولت ایران، ارائه دهد. این فرصتها باعث می‌شود که هیجان‌ات فروکش کند و انگلستان خواهد توانست با دادن امتیازاتی مانند، حق بیشتر کنترل و درآمد افزونتر به تهران، ایرانیان را نرم سازد. انگلیسیها امیدارند که ایرانیها از تصمیم خود مبنی بر ملی کردن نفت منصرف شوند. «فرانسیس شفرد» سفیر کبیر انگلستان در ایران در محافل بسته و خصوصی کوشش می‌کند که نمایندگان ذی‌نفوذ مجلس را از این کار بازدارد.

بگذارید دلار سخن بگوید:

مصدق معذرت‌خواهی را آغاز کرده است. او ضمن تبلیغ و کوشش برای ملی کردن نفت، می‌گوید ایران در مورد استخراج نفت شمال، در برابر روسها تعهد اخلاقی دارد که باید سعی شود روسها را از این ادعا بازدارد. (این قرارداد، يك بار در سال ۱۹۴۶ نسخ شده است.)

انگلیسیها سعی می‌کنند به هنگام مذاکره با ایرانیها يك نکته را فراموش نکنند. نشریه «اکونومیست» لندن چنین گزارش می‌دهد: «يك ایرانی آماده است که بینی خود

را ببرد، تا چهره‌اش را از خشم برافروخته کند». یا در مورد قضیه ملی شدن نفت، وقتی موضوع را عملاً بررسی می‌کند، می‌گوید: «اگر انگلستان با خروجش از شرکت نفت انگلیس - ایران باعث ورشکستگی اقتصاد ایران شود، آنگاه ایرانیان از ما گله خواهند کرد که چرا این بیگانگان منفور، چنین بلایی سر ما آوردند.»

بهترین و مطمئن‌ترین عامل تعادل این است که امریکاییها رشته کار را به دست «دلار» دهند و بگذارند او سخن بگوید. شرکت نفت انگلیس - ایران مورد علاقه آنهاست و دو پنجم محصولات آن را امریکاییها می‌خرند.

مهمتر اینکه: ایران برج و باروی دفاعی امریکا، برابر شوروی است و آیزنهاور به نفت خاورمیانه نیز نیاز دارد. با این حال امریکا هنوز برای ایران کاری انجام نداده است، زیرا امریکاییها می‌ترسند که مبادا وامها و کمکهای مالی ایشان، به جیب ملاکین بزرگی که در مجلس نشسته‌اند و نیز بازرگانان ثروتمند برود و به مصرف ساختمان اقتصاد و بهبود اوضاع اجتماعی کشور نرسد.

روزنامه «پراودا» که هیچ‌گاه مرتکب حماقت نمی‌شود، قتل رزم‌آرا را به گردن امریکاییها انداخته است و می‌نویسد که: «شوروی هیچ‌گاه آرزوی مرگ رزم‌آرا را نمی‌کرد، چون او با شوروی يك قرارداد بخردانه بازرگانی بسته بود. انگلستان از رزم‌آرا تجلیل می‌کند، چرا که او مخالف ملی شدن نفت بود». «ویکتوراف» مقاله‌نویس معروف نوشته خود را به این صورت پایان می‌دهد که: «امریکاییها رزم‌آرا را کشته‌اند و به انگلیسیها هشدار می‌دهد، باید ببینند که امریکاییها چگونه می‌توانند بر منافع انگلستان زیان وارد کنند.»

«جرج مک‌گی» (Georg Meckee) یکی از دستیاران زیرک «آچسن» به هنگام ورود به تهران با رُست و چهره يك بازرس امور بهداشتی، تکذیب کرد که دیدارش از تهران با قضیه نفت ارتباطی دارد. او گفت: «مایلم اقدامات اجتماعی و رفاهی خانم گریدی سفیر کبیر امریکا را در ایران از نزدیک مشاهده کنم که به همت او انجام شده است.»

۱. يك اصطلاح آلمانی که قهرمانان جنگ برای نشان دادن خشونت خود انجام می‌دادند.

۲. در آن زمان فقط حزب پان ایرانیست چنین ادعایی داشت - مترجم.

فهرست مطالب مجله اشپنگل در رابطه با ایران و اسلام

عنوان مقاله یا خبر و خلاصه محتوای آن - سال هفدهم

درباره صدور گاز طبیعی از ایران به شوروی.
(سال ۱۹۶۶ میلادی = سال ۱۳۴۵ خورشیدی، شماره ۶، صفحات ۷۷ - ۸۸) *

توضیحاتی درباره فعالیتهای «سازمان اطلاعاتی سیا - امریکا در جهت سقوط دکتر مصدق در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ خورشیدی = ۱۹۵۳ میلادی.
(سال ۱۹۶۶ میلادی = ۱۳۴۵ خورشیدی، شماره ۲۲، ص ۹۴) *

به شکار رفتن «فرانتس استراوش» در منطقه گرگان مازندران در «شکارگاههای سلطنتی قرق شده» و مطالب مربوط به آن.
(سال ۱۹۶۶ میلادی = ۱۳۴۵ خورشیدی، شماره ۴۵، ص ۲۶) *

موضوع کشمکشهای سیاسی در افق بین‌المللی درباره گرفتن امتیاز تأسیس تلویزیون ایران، میان فرانسویها، آلمانیها، انگلیسیها و چند کشور دیگر.
(سال ۱۹۶۶ میلادی = سال ۱۳۴۵ خورشیدی، شماره ۵۱، ص ۱۲۴) *

عنوان مقاله یا خبر و خلاصه محتوای آن - سال هیجدهم

*

درباره فتحعلیشاه قاجار، به عنوان یکی از «رکوردداران جهان» با سی و هفت سال سلطنت در ایران (۱۱۷۶ - ۱۲۱۳ خورشیدی)

(۱۷۹۷ - ۱۸۳۴ میلادی) دارای ۱۵۳ فرزند پسری و ۶۵۰ فرزند دختری بوده است.

(۱۹۶۷ میلادی = ۱۳۴۶ خورشیدی، شماره ۳، ص ۷۹)

*

به مناسبت «مرگ دکتر محمد مصدق» مقاله تفصیلی و جالب توجه.

(۱۹۶۷ میلادی = ۱۳۴۶ خورشیدی، شماره ۱۲، ص ۱۶۶)

*

ایجاد و فشار به «خانم کاترین تقی زاده» (همسر سیدحسن تقی زاده) که با ترک آلمان، باید به ایران برگردد. و اعتراض او به «اداره روابط اقامت بیگانگان در آلمان».

(۱۹۶۷ میلادی = ۱۳۴۶ خورشیدی، شماره ۲۰، ص ۱۰۰)

*

«کاخ بر روی چرخها»

درباره سفارش يك كالسکه مهم سلطنتی از دربار ایران به «کارگاه یوزف کلیمان»

(Josef Klieman) کالسکه ساز مشهور آلمانی دروین به مبلغ ۷۵۰/۰۰۰ مارك آلمانی

و جنجالهای خیری آن.

(سال ۱۹۶۷ میلادی = ۱۳۴۶ خورشیدی، شماره ۲۱، ص ۱۳۰)

*

«به کار بردن چماق آزاد است...»

درباره تظاهرات ایرانی و آلمانی علیه محمدرضا پهلوی در آلمان غربی و حملات

چاقوکشهای حرفه‌ای ایرانی به آنان در مقابل چشم پلیس. و دادن شعارهایی به نفع

دکتر مصدق و علیه محمدرضا پهلوی.

(۱۹۶۷ میلادی = ۱۳۴۶ خورشیدی، شماره ۲۵، صفحات ۴۱-۴۲)

*

شعارهایی به نفع دکتر مصدق و علیه محمدرضا پهلوی.

(۱۹۶۷ میلادی = ۱۳۴۶ خورشیدی، شماره ۲۵، صفحات ۴۱ - ۴۲)

*

«بار دیگر همانند آنچه که در برلین رخ داد...»

گزارش کاملی درباره تظاهرات دانشجویان ایرانی و آلمانی علیه محمدرضا پهلوی در

هامبورگ و سرکوبی آنان به وسیله ایرانیان اعزامی به آلمان در برابر چشم پلیس و

اعتراضات قانونی نسبت به این اعمال...

(۱۹۶۷ میلادی = ۱۳۴۶ خورشیدی، شماره ۲۵، ص ۴۲)

*

نامهٔ يك ایرانی به نام «منوچهر مشتاق» به دفاع از محمد رضا پهلوی و حمله به دانشجویان ایرانی مقیم آلمان.

(۱۹۶۷ میلادی = ۱۳۴۶ خورشیدی، شماره ۲۶، ص ۱۰)

*

خبر پرداخت وام چهل میلیون مارکی محمدرضا پهلوی به اسرائیل و جنجال مطبوعاتی آن.

(۱۹۶۷ میلادی = ۱۳۴۶ خورشیدی، شماره ۲۶، ص ۱۲۴)

*

مسافرت ۳ روزهٔ غیررسمی محمدرضا پهلوی به پاریس و خرید يك وان مرصع به جواهرات به مبلغ ۳۷/۲۶۹ مارک آلمانی برای فرح.

(سال ۱۹۶۷ میلادی = ۱۳۴۶ خورشیدی، شماره ۲۸، ص ۱۰۰)

*

گزارش وجود يك اتومبیل پر از دینامیت که به وسیلهٔ ایرانیهای مقیم آلمان فراهم شده که به وسیلهٔ فرمان از راه دور حرکت می کند، موجب جنجال وسیع در پارلمان آلمان غربی شده بود.

(۱۹۶۷ میلادی = ۱۳۴۶ خورشیدی، شماره ۳۱، ص ۲۰)

*

چاپ عکس تظاهرات دانشجویان ایرانی و آلمانی علیه محمدرضا پهلوی و همسرش فرح در آلمان و اعتراض شدید دولت ایران به آلمان غربی و با پرداخت وامی به مبلغ چهل میلیون مارک به آلمان تقاضای سرکوبی مخالفین خود را دارند...

(۱۹۶۷ میلادی = ۱۳۴۶ خورشیدی، شماره ۳۲، ص ۷۵)

*

پیرامون خریداران ایرانی که به آلمان غربی آمده اند و توضیحات مفصل دربارهٔ خرید انواع سلاحها و هواپیماها و غیره و بررسی مسائل سیاسی وابسته به آن.

(۱۹۶۷ میلادی = ۱۳۴۶ خورشیدی، شماره ۳۵، صفحات ۲۰ - ۲۲)

*

اطلاعات مهمی پیرامون فعالیتهای ساواک در آلمان غربی و بررسی چگونگی ساختمان ساواک در آن زمان.

(۱۹۶۷ میلادی = ۱۳۴۶ خورشیدی، شماره ۴۳، صفحات ۶۴، ۶۵، ۶۷)

*

تحت عنوان: «فشار و زور در دانشگاه تهران»

در این مقاله - گزارش مانند - به بررسی اصلاحات داخلی ایران که توأم با زور و دیکتاتوری بوده است، می‌پردازد...

(سال ۱۹۶۷ میلادی = ۱۳۴۶ خورشیدی، شماره ۴۴، ص ۱۳۲)

*

دربارهٔ چهل و هشتمین سال تولد محمدرضا پهلوی و جشنهای وسیع در ایران، تحت عنوان:

«هفت شب شادمانی و سرور...»

و تجلیل از دیکتاتوری محمدرضا پهلوی در اجرای برنامه‌های اصلاحی.

(سال ۱۹۶۷ میلادی = ۱۳۴۶ خورشیدی، شماره ۴۴، صفحات ۱۲۹ تا ۱۳۱)

*

بررسی «کتاب انقلاب اجتماعی» نوشته محمدرضا پهلوی و الزام تدریس آن در دبیرستانها. با توضیحاتی دربارهٔ این کتاب.

(۱۹۶۷ میلادی = ۱۳۴۶ خورشیدی، شماره ۴۴، صفحات ۱۳۴ تا ۱۴۵)

*

درج چندین نامهٔ مخالف و موافق نسبت به حکومت سلطنتی محمدرضا پهلوی در ایران که از طرف خوانندگان آلمانی مجلهٔ اشپیگل ارسال گردیده است.

(۱۹۶۷ میلادی = ۱۳۴۶ خورشیدی، شماره ۴۷، ص ۱۰)

*

مصاحبهٔ «دکتر بهمن نیرومند» با مجلهٔ «اشپیگل» دربارهٔ کتابی که نوشته است. و توضیحات مختلفه دربارهٔ مسائل ایران.

(۱۹۶۷ میلادی = ۱۳۴۶ خورشیدی، شماره ۴۷، صفحات ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۹)

*

دفاع مجلهٔ «وستفالن بلات» (Westfalen Blatt) آلمانی از محمدرضا پهلوی و اعتراض به مجلهٔ اشپیگل و پاسخ معترضین به حکومت دیکتاتوری در ایران.

(سال ۱۹۶۷ میلادی = ۱۳۴۶ خورشیدی، شماره ۴۹، ص ۲۲۶)

*

باز هم دربارهٔ «دکتر بهمن نیرومند» و کتاب او تحت عنوان «ایران نمونهٔ یک کشور در حال توسعه».

(سال ۱۹۶۷ میلادی = ۱۳۴۶ خورشیدی، شماره ۵۱، ص ۳)

*

عکس و تفصیلات دربارهٔ قتل يك دانشجوی آلمانی «بنو اوهنسورگ»
(Beno-Ohensorg) به دست پلیس آلمان به قتل رسیده و عنوان «شهید» را دریافت
کرده است.
(۱۹۶۷ میلادی = ۱۳۴۶ خورشیدی، شمارهٔ ۵۳، ص ۳۲)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی